

بررسی دیدگاه بنت الشاطی در انکار اعجاز علمی قرآن*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و نفیسه فقیهی مقدس***

چکیده

سخن نهایی همه مفسران حقیقی قرآن آن است که ویژگی‌های این کتاب آسمانی به خود ضمانت بقا بخشیده و در فراز و فرودهای فرسایشی زمان، خود را از کهنگی نجات داده است. این کتاب از سوی کسی است که به تمام زمان‌ها، مکان‌ها، پرسش‌ها و نیازهای انسان و مخلوقات احاطه دارد و می‌تواند برای همیشه پاسخ‌گوی تمام احتیاجات و سؤالات بشر باشد. بهترین دلیل درستی این سخن، اعجاز قرآن و وجود آیات تحدی و ناتوانی بشر در آوردن مانند آن است. یکی از اعجاز علمی قرآن وجوه متعدد اعجاز قرآن و محور بحث در نوشتار حاضر است. این جنبه از اعجاز قرآن در حقیقت، اعتراف جامعه بشری به ناتوانی علمی خویش بوده و این امر با گسترش مرزهای اندیشه و بینش رو به زیادی است. قرآن کریم ضمن تأکید وثیق بر جایگاه علم و دانش در نظام هستی، اهم حقائق علمی مرتبط با نظام هستی را قبل از آنکه حوزه توانمندی بشر راهی به آن داشته باشد، بیان نموده و از این حیث از دیگر کتب آسمانی متمایز گردیده است. اعجاز علمی قرآن که باز کاوی اسرار خلقت در کلام وحی است، از سوی برخی قرآن‌پژوهان مورد نقض قرار گرفته و افرادی چون عایشه بنت الرحمان حوزه اعجاز قرآن را تنها در بعد اعجاز بیانی محدود نموده‌اند. این نوشتار با هدف بررسی و نقد دیدگاه وی نگارش یافته است و کاستی‌های دیدگاه وی را به نقد کشانده است.

واژگان کلیدی: قرآن، اعجاز، اعجاز بیانی، اعجاز علمی، بنت الشاطی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۷ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۷/۵

**. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول) rezaee@quransc.com

***. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی N_faghihi@yahoo.com

درآمد

آدمی هر روز بیش از گذشته به رموز هستی دست می‌یابد و به دنبال آن به تنظیم و تنسيق بهتری در حوزه قوانین و مبانی تعاملات فردی و اجتماعی خویش دست می‌یابد. قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی عرصه مهم نیازمندی درونی بشر را بی‌پاسخ نگذاشته و فارغ از آزمون و خطاهای دانش بشری، اسراری شگرف از رموز هستی را در آیات نورانی هدایت قرار داده است پیش از آنکه تصور دانشی انسان راهی به درک آن یافته باشد. این بُعد اعجاز، فرابشری بودن کلام الهی را برای عصر علم و دانش بیش از گذشته آشکار ساخته و همگان را به خضوع و تسلیم وامی‌دارد؛ هرچند محدود افرادی از جمله خانم بنت الشاطی، از این جنبه مهم غفلت ورزیده و با ادله‌ای دفاع ناپذیر به انکار اعجاز علمی دست یازیده‌اند. بررسی محورهای انکار و نیز تحلیل و نقد دیدگاه وی هدف این نوشتار است.

زندگینامه بنت الشاطی

عایشه عبدالرحمان، قرآن‌پژوه مکتب ادبی سال ۱۹۱۳م در دمیاط مصر متولد شد. نزد پدرش که از اندیشمندان مصر و تربیت یافتگان الازهر بود، ادبیات عربی و قرآن آموخت. تحصیلات غیردینی خود را با وجود مخالفت پدر در مدارس مصر گذراند و در جوانی در «مجلة النهضة» آغاز به نشر شعر و مقاله کرد و مدتی بعد منتقد ادبی روزنامه/الاهرام شد. سال ۱۹۳۶م به دانشکده ادبیات دانشگاه فؤاد اول، دانشگاه قاهره کنونی، وارد شد و برای پنهان کردن هویت خود از پدرش، نام مستعار «بنت الشاطی» (دختر ساحل) را برگزید. سال ۱۹۵۰م دکتری خود را با پایان‌نامه‌ای درباره ابوالعلاء معری از همان دانشگاه دریافت کرد. وی در مطالعات قرآنی خود روش و مکتب ادبی را در تفسیر برگزید که بنیانگذار آن امین خولی بود و پیوسته متأثر از وی بوده و غالب تألیفات خود را به امین خولی که همسر وی نیز بود، اهدا کرد. از بنت الشاطی جز مقالات پراکنده‌ای که در برخی مجلات و روزنامه‌ها منتشر کرده، بیش از شصت عنوان کتاب و رساله کوچک و بزرگ درباره اعجاز

قرآن، تفسیر، ادبیات عرب، مسائل اجتماعی روز بر جای مانده است.

بنت الشاطی در نوشته‌های تفسیری خود محتوای هر آیه را به گونه موضوعی و با دقت در همه آیات مشابه آن و نیز با توجه به سبک‌های ادبی بررسی می‌کند، ترتیب نزول آیات مشابه را در نظر می‌گیرد و به جستجوی قرائن و شواهد آیات می‌پردازد. وی با تکیه بر این روش، چند سوره از جزء آخر قرآن را در «التفسیر البیانی للقرآن الکریم» تفسیر کرده است.

وی در این کتاب پس از بررسی تاریخچه بحث اعجاز بیانی و بلاغی قرآن، آن را تنها و مهم‌ترین نوع اعجاز مورد اتفاق در میان دانشمندان می‌داند و می‌کوشد با ذکر نمونه‌هایی از بلاغت قرآن، نشان دهد که هیچ ترادفی در واژگان قرآن یافت نمی‌شود و جایگزینی کلمات با یکدیگر امکان ندارد؛ هیچ حرفی زائد یا صرفاً مؤکد نیست و یا برای پیوند کلمات یا تصحیح وزن کلام نیامده است، بلکه همه حروف نقشی معنایی دارند. وی در مقدمه کتاب به این نکته اشاره می‌کند که کتاب «اعجاز بیانی» خلاصه‌ای از مطالب کتاب «التفسیر البیانی» و «دراسة قرآنیة» و خلاصه‌ای از مقاله‌های کنگره مستشرقان در هند (۱۹۶۴م)، کنگره ادبای عرب در بغداد (۱۹۶۵م)، سمینار علمای اسلام در بغداد (۱۹۶۷م) و سمینار علمی هفته قرآن در دانشگاه اسلامی ام درمان (۱۹۶۷م) است که همراه با نکات تازه‌ای از اسرار بیانی قرآن به چاپ رسیده است (ر.ک: بنت الشاطی، الاعجاز البیانی للقرآن الکریم و مسائل ابن ازرق؛ همو، التفسیر البیانی للقرآن الکریم؛ سفعان، المنهج البیانی فی تفسیر القرآن الکریم؛ شرقاوی، الفکر الدینی فی مواجهة العصر: دراسة تحليلية لاتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث؛ شریف، اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر؛ فرید، بنت الشاطی راهبة فی محراب أبی العلاء).

بنت الشاطی و اعجاز قرآن

بنت الشاطی موضوع اعجاز را از عرصه‌های دقیق و دشوار برشمرد و ادعا کرده که تمام عمر خویش را با کتاب اعجاز گذرانده و تمام دوران طولانی علم آموزی خویش را در

مکتب قرآن سپری نموده است.

وی که تنها بر جنبه اعجاز بیانی تأکید می‌نماید، اصرار فراوان طاعوت‌های بت پرست قریش بر ممانعت از عدم استماع کلام الهی را از این امر ناشی دانسته که قریش از همان روزهای آغاز بعثت به اعجاز قرآن پی برد و اعتراف کرد که این بیان و این گفتار از نوع یافته‌های بشر نیست (ر.ک: اعجازبیانی، ۲۷). بنت الشاطی در ادامه به نقد باقلانی صاحب کتاب «اعجاز القرآن» پرداخته و همسانی اعراب غیر فصیح با غیر اعراب در عدم درک فصاحت را از جمله افراط‌های وی در حوزه اعجاز دانسته است. بیان زیر پاسخ وی بر باقلانی است:

البته از دیدگاه ما در این گفته ضعف و افراط فراوانی وجود دارد؛ زیرا اعراب عصر بعثت هرچند در مراتب بلاغت و اقتدار بر فنون سخن با یکدیگر تفاوت داشتند، اما همه اهل فصاحت بودند و در میان آنان خطیبان سخنور و شاعران بزرگی ظهور یافتند؛ بنابراین، چنان نبود که نتوانند گفتار زیبا را از نازیبا و بلند را از پست و بی‌مقدار باز شناسند یا از حس زبانی خویش و ذوق و بیان خاص این زبان برخوردار نباشند...؛ بنابراین عموم اعراب عصر بعثت، هر قدر هم در بلاغت و اقتدار بر فنون سخن تفاوت داشته باشند، دارای این حس انتقادی بوده‌اند؛ حسی که سلیقه زبانی اصیل و فساد ناپذیر آن را بیدارتر کرده بود (همان، ۳۲).

بنت الشاطی در ادامه سخن می‌نویسد:

مشرکان قریش زمانی که در راه حاجیان در کمین آنها می‌نشستند تا آنها را از شنیدن قرآن برحذر دارند، تنها خطبای سخنور و شاعران بزرگ را از این امر برحذر نمی‌داشتند و چنین نیز فکر نمی‌کردند که اعرابی که برای حج آمده‌اند، همه در یک درجه از بلاغت هستند، بلکه چنین می‌اندیشیدند که حاضران در مکه، همه از اعراب خالص و اهل فصاحتند و بر حسب فطرت و سرشت، حس زبانی خاص خود را دارند و با سلیقه زبانی خویش، اسالیب کلام را باز می‌شناسند... کسانی از مشرکان نیز که به ایمان بدین معجزه شتافتند، همه از خداوندگاران سخن و صاحبان بالاترین مراتب بلاغت نبودند... کسانی هم

که دیرتر اسلام آوردند، غالباً از آنانی بودند که خود از شنیدن خودداری ورزیده یا از آن بازداشته شده بودند. اما همین افراد هم زمانی که بدان گوش سپردند ایمان آوردند، در حالی که همه شاعر و سخن‌سرا نبودند (همان، ۳۳-۳۴).

تحلیل پایانی عایشه عبدالرحمن که با طرح سؤالی در جلب توجه مخاطب کوشیده، به گمان وی راه برون شد از تشتت آراء در بحث اعجاز است:

آیا مخاطبان تحدی قرآن تنها اعراب عصر بعثت بودند یا آنکه این تحدی تا ابد وجود دارد و با زمان امتداد می‌یابد؟ گروهی از نویسندگان درباره اعجاز این عقیده را اختیار کرده‌اند که تنها همان مردمان نخستین عصر اسلام مخاطب این مبارزه‌جویی بوده‌اند و گروهی دیگر بر این باور شده‌اند که قرآن همه مردم را در همه عصرها و نسل‌ها مخاطب تحدی قرار می‌دهد. به عقیده من با تفاوت گذاشتن میان دو مسأله اعجاز بودن قرآن و تحدی آن، اختلاف موجود در این باره نیز از میان می‌رود:

اعجاز در هر عصری به پاست و به مردمی که در یک عصر یا یک دوران زندگی می‌کنند، اختصاص ندارد. این حقیقتی است که ما آن را از کلام امام طبری استنباط می‌کنیم... بدین سان اگر اعراب عصر بعثت نبوی تنها مخاطبان تحدی بوده‌اند، بدان سبب است که آنها صاحبان این زبان یعنی زبان عربی بوده و اسرار بیان و بلاغت آن را درک می‌کرده‌اند. بنابراین در تحدی قرآن آنچه معیار است، ناتوانی سخنوران عرب عصر بعثت در آوردن همانندی برای قرآن است، بی‌آنکه از این مسأله چنین استنباط شود که دلالت اعجاز آن بر صحت نبوت، خاص یک عصرمعین و نه سایر اعصار، و خاص اعراب و نه غیر عرب می‌باشد (همان، ۶۴-۶۵).

اصل سخن بنت الشاطی این است، این مطلب را نقد کنید. لازمه این سخن آن است که اعجاز منحصر در عصر نبوی شود و بعد از آن نقل اعجاز است.

بنت الشاطی و اعجاز علمی

بنت الشاطی پس از طرح آرا و اقوال در وجوه مختلف اعجاز، اعجاز علمی قرآن را با بیانی انکاری طرح نموده و بدون تفصیل و تحلیل چندانی که معمولاً شیوه تحقیقی اوست، از مسأله عبور می‌کند:

در اینجا به آن چیزی نمی‌پردازم که برخی اخیراً مورد بحث قرار داده، نام «اعجاز علمی» را بر آن نهاده و بر همین اساس، آیاتی از قرآن را متناسب با موضوعاتی چون اکتشاف اتم، قانون جاذبه، گردش زمین، قوانین هندسه، سدسازی، اختراع فضاپیما و مسائلی از این قبیل را مورد تأویل و تفسیر قرار داده‌اند که نه در عصر بعثت و صدر اسلام به اندیشه هیچ عربی خطور کرده، و نه چنان بوده است که کسی از صحابه، شمه‌هایی از آنها را دریافته و از قرآن برداشت کرده باشد...

مصیبت آن است که در جهان اسلام اظهارات، تأویل‌ها و تفسیرهایی رواج یابد که به قالب و محتوای قرآن تحمیل شده و خبرگان در ادبیات عرب و فقهای اسلام و آنان که در مورد قرآن صاحب نظرند، هیچ دلیل و سندی برای آن سراغ ندارند، بلکه تنها مستند آنها برداشتهایی از علوم دانشمندان معاصر در زمینه‌های تشریح، جنین‌شناسی، ریاضیات نجومی و زیست‌شناسی و... است و هیچ کدام از آنها در آن دوران به گونه‌ای نبوده که این فرصت را برای پیامبر و یا صحابه به وجود آورد که به چنین اعجازی علمی پی برند، تا چه رسد به اینکه آن را برای مردم تبیین کنند (همان، ۹۲-۹۳). وی در ادامه، غالب رویکردهای علمی به قرآن را فاقد صلاحیت ادبی لازم دانسته است:

به عقیده ما بیشتر معاصرانی که در زمینه تفسیر علمی وارد شده و کتابی در مورد «قرآن و علوم» تألیف کرده‌اند، نظریه‌ها و کشفیات علمی عصر حاضر را به قرآن ارجاع داده و بر آن منطبق ساخته‌اند، در حالی که نه در مطالعات قرآنی تخصص داشته‌اند و نه در علوم ادب عربی و علوم اسلامی. در حالیکه صاحب نظران علوم قرآنی از دیرباز به این حقیقت تذکر داده‌اند که هرکس بخواهد به این علوم بپردازد باید در ادب عربی تخصص داشته باشد، اسالیب کلام را در این زبان بشناسد و از شیوه‌ها و نظریه‌های متکلمان و همچنین اصول دین آگاهی داشته باشد (همان، ۹۲).

بررسی و نقد

این سخن بنت الشاطی که «در میان آنان خطیبان سخنور و شاعران بزرگی ظهور

یافتند» در واقع، حاکی از عدم توانمندی اکثریت جامعه از ذوق فصاحت و بلاغت است، حضور نادر افرادی که توانایی خواندن و نوشتن داشتند، این امکان را تضعیف می‌کند که همه اجتماع آن روز در سطح عالی کلامی قرار داشته باشند. افزون بر این، شناخت علمی هر کلام نیز جز با نگاه تحلیلی کارشناسانه میسر نیست و بازشناسی گفتار زیبا از نازیبا صرفاً با داشتن ذوق بیانی و حس زبانی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر، دارای حس انتقادی بودن با پذیرش تفاوت‌ها در فصاحت و بلاغت چگونه قابل جمع است؟ آیا شخصی که از درجه پایینی از توانمندی کلام برخوردار است، می‌تواند به شیوه علمی و دقیق کلام سطح اعلی را مورد انتقاد قرار دهد؟ آیا صرف داشتن روحیه انتقادی برای ارزیابی و درک سطح کلام کافی است؟ در حقیقت نحوه استدلال و انتقاد به باقلانی به گونه‌ای است که مدعای وی ثابت شده است و اگر بنت الشاطی این مسأله را پذیرفته که اعجاز بیانی شامل تمامی اعراب می‌شود - با مسلم انگاشتن این امر که همه مخاطبان از نظر درک اعجاز در یک سطح نبوده‌اند - در مسأله اعجاز علمی نیز همین حکم جاری است و درک اعجاز همگانی ضرورتی ندارد.

نکته دیگر آنکه مسلم است که در نظر صاحب «اعجاز بیانی» همه اعراب معاصر قرآن به محض شنیدن آیات کلام الهی به اعجاز آن پی برده و ایمان می‌آوردند، حال آنکه این سخن ادعایی گزاف است. هرچند جایگاه اعجازی قرآن در حوزه بیان تردید ناپذیر است، درک ابعاد اعجاز آن برای همگان نیز ادعایی بی‌دلیل است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدت سیزده سال دعوت در مکه نتوانست به توفیق چندانی در جذب افراد دست یابد. البته در این زمان قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین ابزار دعوت مطرح بوده است. بسیار کسانی که کلام الهی را می‌شنیدند و با گفتن «ان‌هی‌الا/ساطیرالاولین» از کنار آن می‌گذشتند.

۱۵

نکته دیگر آنکه این سخن که غیر از اعراب معاصر قرآن، دیگران هیچ بهره‌ای از اعجاز نداشتند چراکه آنان هرگز به اسالیب کلام عرب واقف نبوده‌اند، پذیرفتنی نیست؛ زیرا پذیرش پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت از سوی موالی، ایمان آنان به قرآن و همراهی با رسول خاتم خلاف ادعای بنت الشاطی را اثبات می‌کند.

باید گفت: مبنای استدلال بنت الشاطی در انکار اعجاز علمی قرآن کریم بر چند محور

باطل استوار است:

۱. بنت الشاطی جامعه مخاطبان اعجاز قرآن کریم را منحصر به معاصران وحی دانسته است و با این قول شمول افرادی، مکانی و زمانی آیات تحدی را نادیده انگاشته است؛ به عبارتی، می‌توان گفت لازمه کلام وی انحصار اعجاز به عصر نبوی و نقل اعجاز در دیگر ازمنه است و در واقع، وی مخاطبان اصلی قرآن را مردم عصر نبوی دانسته است، حال آنکه معجزه جاوید الهی همه مردم را با خطاب «یا ایها الناس» به رحمت و شفای الهی فرا

می‌خواند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الضُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/۵۷).

قرآن کریم در بیان نورانی خویش مرزهای زمانی و مکانی را درنور دیده و پیامبر را فرستاده‌ای برای همگان معرفی می‌کند: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (اعراف/۱۵۸) و این شمول بر خلاف ادیان پیشین است که از حوزه خاص قومی و قبیله‌ای در دعوت و رسالت برخوردار بودند. قرآن مجید با رسالت حاکمیت جهانی، مخاطبان خود را همه انبای بشر و برای همیشه تاریخ می‌داند که بر پایه حکمت و موعظه، راه هدایت و کمال را بر آنان ارزانی داشته است و این به معنای نفی هرگونه تعین در مصداق‌یابی مخاطب است. کلام الهی با بیانی صریح، عموم مسلمانان را به تحدی فراخوانده و محدود نمودن آیات تحدی به زمانی خاص، فاقد قراین است. بنت الشاطی بین مخاطب اولیه و مخاطب اصلی تمایزی لحاظ ننموده و با خلط این دو، به نتایج نادرستی در حوزه اعجاز بیانی و اعجاز علمی قرآن کریم دست یازیده است. اعراب عصر نزول گرچه اولین مخاطبان کلام وحی بوده‌اند، بی هیچ دلیل و مستندی نمی‌توان آنان را اصلی‌ترین مخاطبان قرآن دانست.

۲. قرآن کریم به اتفاق آرای قرآن‌پژوهان معجزه‌ای است که با تحدی، همگان را به هماوردطلبی فرا می‌خواند: ﴿وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/۲۳). در بیان بنت الشاطی

قرآن و علم، سال هفتم، شماره شصت و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

بین اعجاز و تحدی جدایی افتاده است و حال آنکه عموماً در تعریف اعجاز به ضرورت تحدی هم اشاره شده است. روشن نیست بنت الشاطی چگونه به این «برون شد» از اختلافات در بحث اعجاز دست یافته و پشتوانه علمی این تفکیک چیست. علاوه بر این، کلام هیچ یک از مفسران فریقین از مجموعه آیات تحدی، انحصار مخاطب را نمی‌رساند و هیچ دلیلی دال بر تخصیص عمومیت آیات تحدی وجود ندارد.

برخی قرآن‌پژوهان معاصر بیان زیر را در تحلیل ابعاد شمولی تحدی ارائه نموده است: مبارزه‌طلبی قرآن سه نوع شمول دارد:

یک. شمول افرادی: یعنی اگر همه افراد انسان‌ها و حتی جن‌ها جمع شوند، نمی‌توانند مثل قرآن را بیاورند و به اصطلاح، عام افرادی است به طوری که شامل همه افراد موجود انسان‌ها و حتی افرادی که در آینده می‌آیند، می‌شود؛ لذا می‌فرماید: ﴿لَیْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلٰی اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْآنِ لَا یَأْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ﴾.

دو. شمول زمانی: یعنی این دعوت و تحدی قرآن از زمان صدر اسلام شروع شده و همیشه ادامه دارد و لذا می‌فرماید: ﴿فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلَنْ تَفْعَلُوْا﴾؛ اگر در گذشته نتوانستید مثل قرآن را بیاورید و هرگز هم نخواهید توانست.

سه. شمول احوالی: در هیچ حالی نمی‌توانید مثل قرآن را بیاورید؛ یعنی اگر عرب یا عجم، ادیب (متخصص ادبیات عرب) و یا متخصص در هر زمینه دیگر باشید، نمی‌توانید مثل قرآن را بیاورید. البته این مطلب از اطلاق آیه استفاده می‌شود (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ۷۰).

۳. بنت الشاطی که بر اساس امکان درک یا عدم امکان درک ابعاد اعجاز توسط

معاصران قرآن، به نقد و رد اعجاز علمی قرآن کریم مبادرت ورزیده است، بایستی ۱۷ پاسخ‌گوی این سؤال باشد که آیا اعراب عصر نزول به همه ابعاد اعجاز بیانی قرآن پی برده‌اند؟ اهمیت سؤال از این روست که دانش لغت و زبان نیز مانند حوزه‌های مختلف دانش بشری رو به گسترش است؛ چه امروزه ابعادی از اعجاز بیانی روشن شده که به هیچ روی برای معاصران قرآن متصور نبوده است و علم بلاغت امروزی با کشف روزافزون

اسالیب کلامی و محورهای بلاغی، ابعاد اعجاز بیانی را آشکار می‌سازد. حال آیا می‌توان گفت چون اعراب به این اصطلاحات و علوم لغوی دسترسی نداشتند، به ناچار بایستی در حوزه اعجاز بیانی نیز صرفاً به همان برداشت‌های ذوقی و قریحه‌ای اعراب بادیه نشین بسنده نمود و تکامل زبان در ظرف زمان را نادیده انگاشت؟

۴. قرآن پژوه ادبی با استناد به عمل کسانی که با اظهارات و تأویل‌های غیر صحیح به تفسیر علمی قرآن وارد شده‌اند، اعجاز علمی را به ورطه انتقاد سپرده است. روشن است که هیچ گاه رفتار ناصحیح افراد نمی‌تواند به عنوان مبنای نقد یک بحث علمی مطرح باشد و این تحلیل از کسی که ادعا می‌کند عمر خود را در مکتب قرآن سپری کرده، دور از انتظار است. تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن یا استخراج همه علوم از کلام الهی از نظرگاه معتقدان اعجاز علمی نیز مطرود است و اعجاز علمی در حقیقت بیانگر این نکته است که قرآن دربردارنده حقایقی از اسرار هستی است که بشر پس از قرن‌ها دانش آموختن می‌تواند از قطعیت آن سخن بگوید و به اسرار آن راه یابد.

۵. تأکید بر تک بعدی بودن اعجاز، راه تحدی و درک حقیقت اعجاز را برای اجتماع کنونی بشری مسدود می‌نماید. به ادعای بنت الشاطی و معدود افرادی دیگر، اثبات ناتوانی جامعه نخستین برای همه زمان‌ها کافی است و نیازی به تکرار تحدی نیست. دو تالی فاسد بر این انگاره متصور است: نخست آنکه با استناد به تک بعدی بودن اعجاز، قائل به محدودیت شده‌ایم و هرگونه محدودیتی، با نقص همراه بوده و در منشأ یا با عدم توانمندی درونی روبه‌روست یا با مانع بیرونی. حال با توجه به اینکه رسالت قرآن کریم هدایت همگانی است، آیا خالق قرآن توان ارائه علمی مباحث را به گونه‌ای که بشر از راهیابی به آن ناتوان باشد، نداشته است؟ به خصوص با توجه به اینکه این بعد اعجاز برای جوامع علمی نقش هدایتی مؤثری خواهد داشت و اعتراف و تسلیم دانشمندان علوم بشری در برابر قرآن گواه روشنی بر این ادعاست. یا آنکه ملاحظات و موانع بیرونی سدی در ارائه این بعد اعجاز داشته است؟ هیچ یک از این فروض برای مسلمان خداباور پذیرفتنی نیست. به بیان بهتر، بنت الشاطی می‌تواند مخاطب این سؤال قرار گیرد که آیا خداوند بر ارائه کلامی که در همه حوزه‌های قابل تصور یا غیر قابل تصور امروزین بشر، از جمله در

حوزه علوم بشری فراتر از همه توانمندی علمی انسان بوده و به تحدی فراخواند، قدرت دارد یا خیر؟ در صورت قول به نفی - که البته راهی جز پذیرش آن نیست - چه عاملی مانع از ارائه این محور بس ارزشمند اعجاز شده است؟ با توجه به نقش بی‌بدیل این حوزه در هدایت و جذب افراد علمی امروز، نمی‌توان پذیرفت که خداوند اسباب هدایت را به تمامی در اختیار بشر قرار نداده باشد و این با لطف و کرم خالق هستی در تنافی و تضاد است. خداوند از همه اسباب و زمینه‌ها در مسیر هدایت فراگیر اجتماعی فروگذار نکرده است. از جمله مهم‌ترین راهبردهای بشر امروز، گرایش به علم و فن‌آوری است و کتاب رسول خاتم النبیین ﷺ به بهترین شیوه از این روش بهره گرفته است.

دیگر آنکه بسنده نمودن به درک تحدی معاصران قرآن، پایان بخشیدن به توانمندی قرآن برای معارضه‌ای همیشگی است و در درون این نظریه، امکان آوردن امروزین مثل قرآن نفی نمی‌شود، حال آنکه کلام صریح قرآن این پندار را مردود می‌شمارد: ﴿قُلْ لِّیْنَ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْحِیْ عَلٰی اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْآنِ لَا یَأْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَ لَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیْرًا﴾ (اسراء/۸۸).

ع. اهتمام قرآن کریم بر علم اندوزی و خرد باوری، دلیل روشنی بر وجود ابعاد علمی در قرآن کریم است. قرآن به عنوان کامل‌ترین سند تکامل جامعه انسانی، نگاهی خاص به عرصه‌های علمی داشته و خالق هستی رموز و اسرار نظام خلقت را برای صاحبان خرد و اندیشه به ودیعت نهاده است که بشر جز با تکامل فکری و تطور دانش راهی به آن ندارد. قرآن کریم نقطه اوج توثیق بین علم و ایمان در اسلام است که ترکیبات اساسی آن بر لزوم خردورزی و علم اندوزی از مجموعه آیات متعدد در حوزه تفکر و غور در نظام آفرینش و اسرار هستی مشهود است. تنوع مباحث کلام وحی در محور هستی و ابعاد مختلف نظام آفرینش، توجه راهبردی خالق به رمزگشایی از اسرار آفرینش را بیان می‌دارد؛ چه انسان در سایه مدیریت هستی و بهره‌مندی حداکثری از نظامی که مسخر وی قرار داده شده، می‌تواند به عبودیت حقیقی خالق هستی دست یابد. ﴿وَ سَخَّرَ لَکُمْ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا مِنْهُ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّتَفَكَّرُوْنَ﴾ (جاثیه/۱۳)؛ «و (منافع) آنچه در

آسمان‌ها و آنچه در زمین است را، در حالی که همگی از اوست، برای شما مسخر ساخت؛ قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

به عبارت دیگر، این امر از یک سو، انسان را به مدیریت بهتر نظام هستی سوق می‌دهد و از سوی دیگر، زمینه هدایت وی را هموار می‌سازد. ژرفای بسیاری از دقایق علمی قرآن به گونه‌ای است که انسان جز با تطور علوم و توسعه دانش به فهم تام از آن دست نمی‌یابد. اگر به رشد علوم در بستر زمان و در سایه تجارب و آزمون و خطاها قائل باشیم که ادعایی بس روشن و انکارناپذیر است، هرگز نمی‌توان پذیرفت که مردم عصر نزول، تصویری هرچند ساده از تمامی ابعاد علمی قرآن داشته باشند؛ چه مخاطبان امروزی کلام وحی نیز فراتر از افق بینش و دانش خویش، نمی‌توانند بهره‌ای از بطون علمی وحی نبوی داشته باشند. چگونه می‌توان آیات بیشماری را که به حقایق کونیه اشاره می‌نماید، از عرصه عجزمندی بشر خارج نمود و قلمرو اعجاز را از آن تهی دانست، حال آنکه اندک شماری از آن در عصری که بشر با افتخار از آن با عنوان عصر انفجار اطلاعات یاد می‌کند، کشف شده است؟

۷. نکته تأمل برانگیز دیگر آنکه با مبنا قرار دادن درک مخاطبان نخست قرآن، چنانچه بنت الشاطی در انکار اعجاز علمی قرآن به آن استناد نموده است، علاوه بر زیر سؤال بردن اعجاز علمی، بسیاری دیگر از ابعاد و معارف قرآن به بوته تردید سپرده می‌شود؛ چرا که بنا بر تصریح روایات، قرآن دارای ظهر و بطن است. در روایتی امام معصوم (علیه السلام) در جواب سؤال راوی از ظهر و بطن قرآن چنین می‌فرماید:

«عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ مَا فِيهِ حَرْفٌ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ وَ مَطْلَعٌ مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ، قَالَ: ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ هُوَ تَأْوِيلُهَا مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ» (مجلسی، بحار الانوار، ۲۳، ۱۹۷).

روشن است که بسیاری از بطون و معارف برای معاصران نزول قابل تصور نبوده و رشد

مکاتب فکری و کلامی در بستر زمان، آن را آشکار ساخته است؛ به عبارتی، با این چارچوب نظری تنها تأملاتی در حوزه‌ها و ابعاد مختلف قرآن پذیرفتنی است که با تصورات جامعه آن زمان تناسب داشته باشد. البته این فرض قائلی ندارد و هیچ کس با چنین ادعایی سخیف، راه تأمل پیرامون معارف والای قرآن را مسدود نمی‌نماید. با این تحلیل، می‌توان گفت: همچنان که در عرصه‌های مختلف معارف قرآن، به اولین تصور از قرآن بسنده نمی‌شود، در اثبات ابعاد اعجاز قرآن کریم نیز این مبنا نادرست است.

۸. بنت الشاطی از این نکته غفلت ورزیده که قرآن کریم در موارد متعدد، آرا و تفکرات جامعه جاهلی را که به یمن اسلام به ارزش انسانی خود نائل آمدند، نقد نموده و تصورات و پندارهای باطل آنان را مورد خدشه قرار داده است. وجود باورها، ایده‌ها و رفتارهای ناصحیحی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا آخرین روزهای حیات شریف خویش با آن مواجه بود و در راه اصلاح و بهسازی آن تلاش می‌نمود، آیا می‌توان پذیرفت که درک آن شنوندگان و چنان مخاطبانی معیاری برای مسلمانان عصر ترقی و پیشرفت باشد؟ این نکته که چون اعراب آن دوران تصویری از اعجاز علمی نداشته‌اند، نمی‌توانیم این بعد اعجازی را بپذیریم، در حقیقت صحه گذاشتن بر تصورات و تأیید آنان است. به خصوص اینکه در عرصه علم و دانش، عدم تصور آنان به عدم رشد علمی و جهالت اعراب بادیه نشین باز می‌گردد و قرآن کریم به سرعت این نقیصه را با تأکید وافر بر علم آموزی اصلاح نمود؛ زیرا اگر در همان دوران غیر از شنوندگان سرزمین حجاز، افراد دیگری قرآن را می‌شنیدند، درک و تصور بهتری از مباحث علمی ارائه شده داشتند و این، خود، گواهی دیگر بر عدم کفایت و صلاحیت آنان در تشخیص ابعاد اعجاز است.

۹. دلیل دیگر وجود اعجاز علمی قرآن، اعتراف اندیشوران قرآنی به وجود ابعاد مختلف اعجاز قرآن است. هرچند برخی دقت در ابعاد اعجاز را وسوسه‌ای غیرلازم دانسته اند که ذهن را از طریق مستقیم منحرف می‌سازد. در شرح تجرید الاعتقاد چنین آمده است:

این امر مسأله‌ای است غیر لازم و اگر ندانیم استدلال ما را بر نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله زیان نرساند؛ از این جهت، خواه فرمود: همه این احتمالات ممکن است، چون می‌دانیم قرآن را پیغمبر ما آورد و تحدی بدان فرمود و معارض خواست و کسی نتوانست مانند آن آورد پس

معجز است (شعرانی، شرح فارسی تجرید الاعتقاد، ۵۰۱).

در تحلیل این سخن باید گفت: چگونه این بررسی وسوسه‌ای غیرلازم به شمار می‌آید، حال آنکه امروز یکی از محورهای مهم در تقابل با قرآن ستیزان، توجه به تجدد دائمی و جوه متعدد اعجاز و تحدی قرآن است. قرآن باوران با جزم و قطع به حقانیت این کتاب شریف، همه معاندان و کژخواهان را به معارضه می‌طلبند و با توجه به اشتغال قرآن بر وجوه متعدد اعجاز بهتر می‌توان به اثبات صدق آخرین کتاب آسمانی پرداخته، به پاسخ‌گویی شبهات مبادرت ورزید.

باقلانی با بیان زیر به اخبار غیبی قرآن کریم به عنوان بخشی از مغیاب می‌پردازد و می‌نویسد: صاحبان رأی در حوزه علوم قرآن اخبار از غیوب و صدق و اصابه به واقع را از محورهای اعجاز دانسته و به فراخور نیاز بحث خویش، مواردی از آن را برشمرده‌اند (باقلانی، اعجاز القرآن، ۴۰).

وی در ادامه، انحصار اعجاز به حوزه بلاغت را با نتیجه‌ای همراه ساخته که دفاع‌پذیر است.

کسانی که اعجاز در حوزه بلاغت را مطمح نظر قرار داده‌اند، به واقع، مجالی در راهیابی به این حوزه برای غیر عرب یا حتی غیربلیغان عرب لحاظ ننموده و راه فهم اعجاز آنان را به استدلال و نقل منحصر دانسته‌اند (همان، ۱۶۶).

اندیشمند بزرگ شیعه - علامه طباطبایی -، بیانی ارائه نموده که می‌تواند تحلیل این ادعا باشد:

اگر تحدی‌های قرآن تنها در خصوص بلاغت و عظمت اسلوب آن بود، دیگر نباید از عرب تجاوز می‌کرد و تنها باید عرب را تحدی کند که اهل زبان قرآن‌اند، آن هم نه کردهای عرب، که زبان شکسته‌ای دارند، بلکه عرب‌های خالص جاهلیت و آنها که هم جاهلیت و هم اسلام را درک کرده‌اند، آن هم قبل از آنکه زبانشان با زبان دیگر اختلاط پیدا کرده و فاسد شده باشد. حال آنکه می‌بینیم سخنی از عرب آن هم با این قید و شرط‌ها به میان نیاورده و در عوض روی سخن به انس و جن کرده است. پس معلوم می‌شود معجزه بودنش تنها از نظر اسلوب کلام نیست.

ایشان در ادامه بر عمومیت اعجاز تأکید نموده و در پاسخ به اشکال عدم لزوم عمومیت معجزه می‌نویسد:

اولاً تنها راه آوردن معجزه برای عموم بشر و برای ابد، این است که آن معجزه از سنخ علم و معرفت باشد، چون غیر از علم و معرفت هر چیز دیگری که تصور شود که سر و کارش با سایر قوای دراکه انسان باشد، ممکن نیست عمومیت داشته، دیدنیش را همه و برای همیشه ببینند، شنیدنیش را همه بشر و برای همیشه بشنوند... هر معجزه دیگری که غیر از علم و معرفت باشد، قهراً موجودی طبیعی و حادثی حسی خواهد بود که خواه ناخواه محکوم قوانین ماده و محدود به یک زمان و یک مکان معینی می‌باشد و ممکن نیست غیر این باشد. ثانیاً وقتی از مقوله علم و معرفت شد، جواب اشکال روشن می‌شود، چون به حکم ضرورت فهم مردم مختلف است و قوی و ضعیف دارد، همچنان که کمالات نیز مختلف است و راه فطری و غریزی انسان برای درک کمالات که روزمره در زندگیش آن را طی می‌کند، این است که هر چه را خودش درک کرد و فهمید، که فهمیده، و هر جا کمیت فهمش از درک چیزی عاجز ماند، به کسانی مراجعه می‌کند که قدرت درک آن را دارند و آن را درک کرده‌اند و آنگاه حقیقت مطلب را از ایشان می‌پرسند. در مسأله اعجاز قرآن نیز فطرت غریزی بشر حکم به این می‌کند که صاحبان فهم قوی و صاحب نظران از بشر، در پی کشف آن برآیند و معجزه بودن آن را درک کنند و صاحبان فهم ضعیف به ایشان مراجعه نموده، حقیقت حال را سؤال کنند. پس تحدی و تعجیز قرآن عمومی است و معجزه بودنش برای فرد فرد بشر و برای تمامی اعصار می‌باشد (طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ۹۵/۱-۹۸).

اعتراف به وجود وجوه اعجاز قرآن و عمومیت دامنه تحدی از دیدگاه علمای مسلمان

۲۳

فیلسوف نامدار شیعی، ملاصدرا، ضمن اشعار به اختلاف جمهور در وجوه اعجاز قرآن را که تنها بر اهل تدبر و تفکر تجلی می‌یابد، از وجوه اعجاز دانسته است (صدرا، القرآن الکریم، ۱۲۸/۲)؛ مفسر الجامع لاحکام القرآن نیز پس از بیان تفصیلی وجوه اعجاز و تحدی، مسائل علمی قرآن را از جمله این وجوه برشمرده است. (قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۷۳/۱)؛ مؤلف شرح الشفاء به وجوه مختلف اشاره نموده و تعبیر وجوه و اصناف

بیشمار برای اعجاز قرآن را به کار برده است (قاری، شرح الشفاء، ۵۴۷/۱).

شرح کشف المراد بر اثبات اعجاز علمی چنین استدلال نموده است:

ادیان آسمانی قبل از اسلام چون موقتی و گذرا بوده و برای مدت زمانی طولانی یا کوتاه قابل اجرا بوده‌اند، معجزات آنها هم گذرا بوده و قابل بقا نیست، ولی دین اسلام چون آیینی جهانی و برای همه نسل‌ها در همه عصرها لازم الاتباع است و دینی است جاودانه، به تناسب آن، معجزه پیامبر اسلام ﷺ هم معجزه‌ای جاویدان است زیرا تحدی نموده و معارضه به مثل نموده آن هم در مراحل گوناگون و دشمنان اسلام با همه انگیزه‌هایی که داشتند، نتوانستند به مثل قرآن بیاورند و جالب اینکه این تحدی در قرآن آمده که برای همه نسل‌ها پیام دارد؛ یعنی هان ای انسان‌های قرن بیستم شما هم اگر قبول ندارید همه پنج میلیارد انسان همراه با همه جنیان دست به دست هم داده و به مثل قرآن بیاورید. پس خطاب تنها به شاعران و سخن‌سرایان سترگ عصر پیامبر نیست، ولی احدی تا به حال در برابر این هل من مبارز قهرمان بی‌بدیل تاریخ پاسخ مثبت نداده و نتوانسته حتی سوره‌ای کوتاه به مثل قرآن بیاورد (محمدی، شرح کشف المراد، ۳۸۶).

قاضی عیاض از اعجاز علمی به عنوان «دانشی که برای عرب و برای علمای سایر امم غیر معهود بوده و شخص پیامبر ﷺ نیز قبل از بعثت اطلاعی از آن نداشته و در کتب نیز هیچ اشاره‌ای به آن نشده بود» یاد نموده است (قاضی عیاض، الشفاء بتعریف حقوق المصطفی، ۵۳۵/۱).

ماوردی افزون بر فصاحت و بلاغت، اجتماع علومی را که بشر به آن احاطه‌ای ندارد، از جمله وجوه اعجاز دانسته (ماوردی، علم الیقین فی أصول الدین، ۶۶۹/۱) و زرکشی در اثبات اعجاز علمی از یک سو ارائه معارف علمی از سوی خالق اسرار خلق را مطمح نظر قرار داده و از سوی دیگر به جایگاه علمی پیامبر ﷺ اشاره کرده که بهره‌ای از سواد نداشت (زررقانی، ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۲۳).

شهید مصطفی خمینی اشتغال بر حقائق حکمت و طبیعت را از جمله وجوه اعجاز دانسته و قرآن را کاشف نقاب از مسائل فلسفی و دقائق حکمت در عباراتی موجز می‌داند و

نمونه‌های متعددی را با استناد به آیات قرآن بیان داشته است (خمینی، تفسیر القرآن الکریم، ۴/۴۹۰-۴۹۲). وی همچنین محدود نمودن دامنه اعجاز به فصاحت و بلاغت را با بیان زیر نقد نموده و می‌نویسد:

در این صورت تحدی غیرعرب و نفی قدرت بشر معنایی ندارد و افزون برآن استدلال قرآن مبنی بر عدم اختلاف آیات نیز معرفت و علم همه بشر را فرا نمی‌خواند و حال آنکه آیه شریفه تاب این تقييد را ندارد (همان، ۴۷۸-۴۷۹).

عمومیت خطاب تحدی قرآن و رسالت همگانی نبی خاتم که شمول همه جانبه‌ای به وسعت «کافة الناس» را دربردارد، اقتضا می‌کند که مخاطبان آن از ارباب علوم و صاحبان فنون نیز در این هم‌اوردطلبی فراخوانده شوند. سبزواری به این نکته اشاره داشته و در تحلیل پایانی خویش می‌نویسد: بر این اساس، قرآن برای فصیح و بلیغ در فصاحت و بلاغت و برای عالم در علمش و برای فیلسوف در فلسفه‌اش و... معجزه است (مواهب الرحمن، ۱/۱۱۹).

علامه معرفت رحمته الله در التمهید محورهای متعدد اعجاز علمی را به تفصیل طرح نموده، در مقدمه می‌نویسد: اشارات علمی که در قرآن آمده، رشحاتی از منبع علم مکین پروردگار است که عالم اسرار آسمان‌ها و زمین است: ﴿قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ هر چند این اشارات علمی مقصود به ذات نبوده و غرض اساسی هدایت و ارشاد به معالم اخلاق کریمه است (معرفت، التمهید، ۶/۶).

شماری از اندیشمندان نیز با بیان‌هایی متقارب یکی دیگر از دلایل عمومیت تحدی قرآن کریم عمومیت خطاب فرازمانی و فرامکانی تدبر در قرآن نیست به عدم اختلاف در قرآن می‌دانند؛ به عبارت دیگر، اگر قرآن در مباحث علمی حرفی برای گفتن نداشت، معنایی برای این تطابق تصور نمی‌شد (ر.ک: قنديل، اعجاز القرآن العلمی و البلاغی و الحسابی، ۲۴۷؛ یوسف، الاعجاز علمی فی اسرار القرآن الکریم والسنة النبویة، ۳۱/۲؛ بلاغی، آلاء الرحمن، ۱۲/۱-۱۳؛ مؤدب، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، ۷۶).

حسن عرفان، نویسنده معاصر، در تبیین اعجاز علمی چنین می‌نگارد:

کتاب‌هایی که با درون مایه علمی و در روند علوم تجربی و انسانی نوشته می‌شود، در بستر حرکت پویای دانش، روز به روز مورد نقض، ابطال، تغییر و تکامل قرار می‌گیرد. تغییر سال به سال کتب درسی، نقد، نقض و ابطال پیوسته تئوری‌ها و آراء دانشمندان، تبلور بی‌ثباتی این کتاب‌ها و نظریات بشری در قلمرو پویای دانش است. کمتر کتابی است که در روند تکامل‌پذیر دانش و زمان از نقض علمی آسیب ندیده باشد. لیکن قرآن شریف در معبر همه علوم، استوار و سترگ ایستاده است و حرکت پی‌گیر دانش، از صلابت و حشمت آن نکاسته و نمی‌کاهد. آکادمی‌ها، کالج‌ها و دانشگاه‌های توانمند دشمنان قرآن، نتوانسته آن را مورد نقض علمی قرار دهد و این تبلور، بزرگ‌ترین اعجاز علمی قرآن است. جدا از این مسأله کلی، قرآن استوار، مسائل علمی بسیاری را پیشگام‌تر از زمان، بیان کرده که نگاهی کاونده بر آنها شگفتی اعجاز علمی قرآن را نشان می‌دهد (عرفان، اعجاز در قرآن کریم، ۱۵۰).

شهرستانی در پی پاسخ به این سؤال که آیا اعجاز متمادی است یا در دوران حیات رسول اکرم (ص) به پایان رسید؟ به جمهور اهل اسلام اشاره می‌کند که به تداوم اعجاز تا زمان قیامت قائل‌اند. وی این نظر را قول حقی می‌داند که نص کلام شریف بر آن دلالت دارد: ﴿قُلْ لِّیْنَ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلٰی اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا یَأْتُوْنَ بِمِثْلِهٖ وَ لَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیْرًا﴾ (اسراء/۸۸).

همچنین وی در بیان وجوه اعجاز به چند وجهی بودن اعجاز قائل بوده و از جمله قول به نظم قرآن و اخبار از غیب را قول حق دانسته است (شهرستانی، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، ۴۹/۲).

مرحوم طیب استدلال و احتجاج علمی قرآن را در عین سادگی، متقن و خدشه‌ناپذیر

۲۶ دانسته، می‌نویسد:

قرآن نه تنها از جهت فصاحت و بلاغت و نظم و اسلوب کلام معجزه است، بلکه از جهات دیگری مانند جنبه استدلال و احتجاج (دلیل و حجت آوردن بر مطالب) و جنبه تشریح احکام و قوانین و جنبه اخلاق و جنبه سلامت از تناقض و اختلاف و جنبه تاریخی و از جهت خبر دادن از امور آینده و غیر ذلک معجزه می‌باشد. قرآن مجید درباره موضوعات علمی و

مطالب مهم عقلی به نحوی استدلال و احتجاج می‌نماید که در عین سادگی و آسانی، در کمال اتقان و استحکام بوده و اندک خدشه و اشکالی در آنها راه ندارد (طیب، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، ۲۵۱). محمد حسن هیتو در بررسی جنبه‌های اعجاز می‌نویسد:

مؤلف «المعجزة القرآنية» در بررسی جنبه‌های اعجاز چنین می‌نویسد: هرچه علوم پیشرفت نماید و تمدن‌ها به ترقی گراید، وجوه بیشتری از اعجاز قرآن روشن می‌شود که ممکن است برای عصر ما قابل تصور نباشد و این تفاوت معجزه پیامبر خاتم با سایر انبیاست (هیتو، المعجزة القرآنية، ۶۷-۶۹).

وی در جایی دیگر چنین می‌نگارد:

تحدی به معارضه قرآن به واسطه عجز عرب از آوردن مثل ثابت شده است؛ چنانچه بزرگان جبهه شرک و کفر و زعمای بلاغت و بیان به آن اعتراف کرده‌اند. اما معاصران نزول قرآن راهی برای درک تحدی در ابعاد دیگر چون امور غیبی ندارند. چه بسا بعضی مشرکان یا معاندان اسلام به این گمان باشند که به رغم ناتوانی نسل مخاطب قرآن، ممکن است امروز بتوان به معارضه با قرآن اقدام نمود. این احتمال به لحاظ عقلی ممکن است و جنبه‌های متعدد اعجاز و تحدی کلام وحی خط بطلانی بر این پنداره‌است. گذشت قرون این مطلب را به اثبات رسانده که به رغم وجود تعداد بی‌شمار انسان‌های حریص که امروزه عزم خود را در دشمنی با قرآن جزم نموده‌اند، وجوه متعدد اعجاز، راه را برای همیشه بر مخالفان سد نموده است. از جمله اعجاز علمی که از وجوه اعجازی است که در این عصر کشف شده و برای هر خردمندی آشکار می‌سازد که محال است بشر بتواند در هیچ برهه‌ای از زمان کتابی ارائه نماید که مشتمل بر اطلاعات علمی کاملاً دقیق از مجموع کون و هستی بوده و اختلاف و تناقضی در نظرگاه‌های علمی آن وجود نداشته باشد (همان، ۱۳۱-۱۳۲).

هیتو در جای دیگر به طرح این سؤال می‌پردازد که آیا اعجاز علمی زاینده علوم و ۲۷ اکتشافات امروزی است و بر علماء پیشینی مخفی بوده است یا خیر؟ پاسخ زیر حاصل بررسی علمی نگارنده است:

با ادنی تأمل در کتاب الهی به این نتیجه می‌رسیم که پاسخ منفی است. قرآن کریم در اولین آیات آغاز نزولش به علم اهتمام خاص ورزیده و بر آن تشویق نموده است. قرآن

ارزش علم را تنها بر علوم شرعی منحصر ننموده، بلکه آن را در تمامی عرصه‌ها از جمله علوم کونی و علوم عقلیه توسعه داده است. فراخوان الهی به تأمل در ملکوت آسمان و زمین و تبصر در علوم هستی و نفس، راهی برای نظر به خالق عظیم است:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۱۶۴).

بر اساس همین دستور الهی، اندیشمندان اسلامی همواره در طریق مجاهده بوده و همت خود را در برقراری ارتباط بین قوانین علمی و بعض آیات قرآن مصروف داشته و ثابت نموده‌اند که قرآن قبل از کشف قوانین به بیان آن مبادرت نموده است؛ به عبارتی، اعجاز علمی و اثبات ناتوانی بشر در این عرصه از ابداعات جدید نیست. این نکته جالب توجه است که عدم تمکن قدماء از بهره‌های کنونی دانش، مجال ورود به این حوزه را با محدودیت مواجه ساخته و جولان این امر در قرنی که عصر اکتشافات و اختراعات است، بیشتر است (الاعجاز العلمي، ۱۵۵-۱۵۷).

برخی جنبه اعجاز علمی را به عنوان اشرف وجوه اعجاز و قوی‌ترین آن یاد کرده و به اشتغال قرآن بر معارف و علوم و اسراری که عقول از ادراک آن عاجز است، اشاره می‌نمایند. مؤلف علم الیقین تجدد دائمی اعجاز قرآن را بر همین مبنا مستفاد گردیده و کلام خویش را به قرآن مستند نموده است: ﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ﴾. (فیض، علم الیقین فی أصول الدین، ۶۷۱/۱). چنانکه هیتو نیز در اثبات

جنبه علمی اعجاز، این بعد را ابلغ وجوه اعجاز دانسته است:

مردم در مواجهه با قرآن دو صنف‌اند؛ گروهی که قرآن را می‌شنوند و به مجرد استماع قرآن و به ذوق فنی به اعجاز سخن پی می‌برند و دسته‌ای دیگر که نه به مجرد استماع، بلکه از راه درست و تحلیل و اشتغال کلام بر علوم و معارف به این نتیجه دست می‌یابند.

به عبارتی، برای دسته دوم لغت و اسالیب کلام برای کشف اعجاز ضرورتی ندارد. اینان با بهره‌گیری از تعقل و تفکر به اعجاز دست می‌یابند. شاهد بر این امر تمایل بیشتر متمولین فرهنگی بر بررسی ابعاد علمی قرآن است، به ویژه زمانی که با دلالت قطعی بُعد علمی قرآن مکشوف گردد. اعجاز علمی در قرآن واقعیتی است که مردم امروز با آن مواجه هستند؛ چرا که در دوران حاضر علوم اساس حیات و تمدن انسانی است. چه بسا بگوییم نه تنها اعجاز علمی در قرآن وجود دارد، بلکه ابلغ وجوه اعجاز همین بعد است که انسان را به نهایت خضوع و ایمان در برابر آن وامی‌دارد (هیتو، المعجزة القرآنية، ۱۴۸-۱۵۰).

نتیجه

اعجاز علمی به معنای اینکه قرآن علمی را جمع نموده که علوم بشر به آن احاطه ندارد و مخلوقی یارای دستیابی به آن نیست و اینکه این مهم امری است که تنها از سوی خالق هستی که بر همه چیز محیط است امکان پذیر می‌باشد، مورد اتفاق اندیشمندان اسلامی است. قرآن باوران بر این مسأله اتفاق نظر دارند که کلام الهی همواره در نفوس تأثیرگذار بوده و حلاوت آن جان مشتاقان را از سرچشمه هدایت الهی سیراب می‌نماید. طبیعی است که مردم در هر زمان، اعجاز قرآن را همانطور که مخاطبان صدر اسلام به اثر اعجاز‌آمیز قرآن پی می‌بردند، درک ننمایند. چه عرب امروز در بُعد فصاحت و بلاغت، از کلام اصیل و فصیح فاصله زیادی گرفته و به واسطه امتزاج زبان‌ها ممکن است به کنه ابعاد فصاحت و بلاغت راهی نداشته باشد. مسأله مهم این است که بُعد زمانی زبان در جنبه اعجاز بیانی قرآن مورد تأمل قرار گیرد. اگر همچون بنت الشاطی و علامه سید محمد حسین فضل الله به تک بعدی بودن جنبه اعجاز قرآن قائل باشیم، اعجاز قرآنی برای امروز و فردای بشر چندان دست یافتنی نیست و صرفاً به بیان سکوت معاصران در پاسخ به تحدی بسنده می‌شود و این در واقع، محدود نمودن زمانی قرآن و عدم پویایی اعجاز آن است، در حالی که فرابعدی بودن اعجاز قرآن که رسالت هدایت را بر عهده دارد، دور از انتظار نیست.

منابع

۱. آمدی، سیف الدین (۱۴۱۳ق)، *غایة المرام فی علم الکلام*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. باقلانی، محمد بن الطیب (۱۴۲۱ق)، *إعجاز القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
۴. حطیط، حسن (۲۰۰۵م)، *الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم*، بیروت: دار و مکتبة الهلال.
۵. خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ق)، *تفسیر القرآن الکریم*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱ش)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت: کتاب مبین، چاپ سوم.
۷. زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵ش)، *ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن*، ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. سفعان، علی (۱۹۸۱م)، *المنهج الیانی فی تفسیر القرآن الکریم*، قاهره.
۹. شرقاوی، عفت محمد (۱۹۷۶م)، *الفکر الیدینی فی مواجهة العصر: دراسة تحليلیه لاتجاهات التفسیر فی العصر الحديث*، قاهره.
۱۰. شعرانی، ابوالحسن (بی تا)، *شرح فارسی تجرید الاعتقاد*، تهران: انتشارات اسلامیة.
۱۱. شهرستانی (۱۴۱۶ق)، *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، تحقیق محمد خواجهوی، قم: بیدار.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ش)، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۴. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۲ش)، *کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام*، کتابخانه اسلام، چاپ چهارم.

۱۵. عبدالرحمان، عایشه (۱۳۷۶ش)، *الاعجاز البیانی للقرآن الکریم و مسائل ابن ازرق*، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۱۶. عبدالرحمان، عایشه (۱۹۶۲م)، *التفسیر البیانی للقرآن الکریم*، قاهره: دارالمعارف.
۱۷. عبدالرحمان، عایشه (۱۹۶۹م)، *دراسة القرآنیه*، قاهره: دارالمعارف.
۱۸. عرفان، حسن (۱۳۷۹ش)، *اعجاز در قرآن کریم*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱۹. فیض کاشانی (۱۴۱۸ق)، *علم الیقین فی أصول الدین*، تحقیق و تصحیح محسن بیدارفر، قم: بیدار.
۲۰. فیومی، سعیدصلاح (۱۴۲۴ق)، *الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم*، قاهره: مكتبة القدسی.
۲۱. قاری، ملاعلی (۱۴۲۱ق)، *شرح الشفاء*، تصحیح عبدالله محمد خلیلی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. قاضی عبدالجبار و قوام الدین مانکدیم (۱۴۲۲ق)، *شرح الأصول الخمسة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. قاضی عیاض (۱۴۰۷ق)، *الشفاء بتعریف حقوق المصطفی*، دارالفتح، چاپ دوم.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۲۵. قندیل، محمدحسن (بی تا)، *إعجاز القرآن العلمی و البلاغی و الحسابی*، اسکندریه: دار ابن خلدون.
۲۶. ماهر شفیق فرید (۱۹۹۹م)، *بنت الشاطی*، راهبه فی محراب أبی العلاء، الهلال.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، *بحار الانوار*، تهران: نشر اسلامیه.
۲۸. محمدی، علی (۱۳۷۸ش)، *شرح کشف المراد*، قم: دار الفکر، چاپ چهارم.
۲۹. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
۳۰. مؤدب، سید رضا (۱۳۷۹ش)، *اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و جلال و بیست نفر*

از علمای بزرگ اسلام، قم: احسن الحديث.

۳۱. هیتو، محمدحسن (۱۴۲۱ق)، المعجزة القرآنية الإعجاز العلمي و الغیبی، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ چهارم.

۳۲. یوسف، محمد حسنی (۲۰۰۶م)، الإعجاز العلمي فی أسرار القرآن الكريم و السنة النبویة، القاهرة / دمشق: دار الكتاب العربی.